



## قرآن «خراسان دختر نیشابور» با ترجمه فارسی از قرن پنجم هجری: بخش دوم: بررسی نسخه ۲۰۰۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی<sup>۱</sup>

مرتضی کریمی نیا

### چکیده

این مقاله (در ادامه بخش نخست آن در شماره پیشین مجله) به معرفی و بررسی قرآنی کهن از قرن پنجم هجری می‌پردازد که در اوایل قرن ششم هجری در تملک دختری به نام خراسان بنت ابی القاسم بن علی بن مانکدیم قرار داشته است. تاکنون ۱۲ جزء مختلف از این قرآن در کتابخانه‌های مختلف در ایران و جهان یافت شده است. نام مالک نسخه در آغاز جزء اول این قرآن همراه با نسب وی تا امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام ذکر شده است و نشان می‌دهد اجداد وی از علویان طبرستان بوده‌اند، اما جد پدر وی یک سده قبل از کتابت نسخه به نیشابور مهاجرت کرده است. این قرآن در ۳۰ پاره مجزا همراه با ترجمه فارسی با خط نسخ کهن و احتمالاً در نیشابور (محل زندگی خراسان بنت ابی‌القاسم) کتابت شده است. متن قرآن به قرائتی مرکب از کسائی، ابن‌عمر، و ابوعمر و نوشته شده است. ترجمه فارسی آیات با آنکه متأثر از سبک و واژگان ترجمه تفسیر طبری است، اما دارای اختصاصات املایی، واژگانی و لهجه‌ای مخصوص به خود است. در بخش دوم مقاله، متن کامل ترجمه فارسی یک جزء از این قرآن (نسخه ش ۲۰۰۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی) بازنویسی و بررسی شده است.

۱. از مدیران بخش نسخ خطی در کتابخانه مجلس شورای اسلامی سپاس‌گزارم که در دریافت تصاویر نسخه‌های خطی مساعدت کردند. از استاد آذرتاش آذرنوش و دوست گرامی، سیدمحمد عمادی حائری برای گفتگوهای سازنده‌شان در خصوص تاریخ ترجمه‌های فارسی کهن، و از فرزندم، مجتبی کریمی نیا برای یاری‌اش در بازخوانی متن نسخه سپاس‌گزارم.

در شمارهٔ پیشین از مجلهٔ ترجمان وحی مبین معرفی مفصّلی از قرآنی سی پاره، موسوم به قرآن خراسان بنت ابی القاسم همراه با بازنویسی و تحلیل متن قرآن و ترجمهٔ فارسی از یکی از اجزاء آن (نسخهٔ ۲۱۵۶ در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران) آوردیم. از این قرآن کامل که در قرن ششم هجری در تملک زنی به نام خراسان در شهر نیشابور بوده، اکنون ۱۲ جزء مختلف در موزه‌ها و کتابخانه‌های مختلف ایران و جهان یافت شده است که فهرست آنها در این جدول آمده است:

جزء	محل کتابخانه	شماره نسخه	تعداد برگ	سوره‌ها و آیات
جزء ۱	آستان قدس رضوی	۲۷۵۲	۴۱	فاتحه - بقره، ۱۳۶
جزء ۱۳	آستان قدس رضوی	۲۷۵۳	۳۹	یوسف، ۷۶ - ابراهیم، ۵۲
جزء ۱۵	آستان قدس رضوی	۲۷۵۴	۴۸	اسراء، ۱۹ - کهف، ۷۴
جزء ۲۲	آستان قدس رضوی	۲۷۵۵	۴۹	احزاب، ۳۲ - یس، ۲۱
جزء ۲۶	آستان قدس رضوی	۲۷۵۶	۳۲	محمد، ۱۴ - ذاریات، ۳۱
جزء ۱۹	آستان قدس رضوی	۴۶۵۰	۵۲	فرقان، ۲۳ - نمل، ۵۶
جزء ۲۰	آستان قدس رضوی	۴۶۵۱	۴۹	نمل، ۵۷ - عنکبوت، ۴۵
جزء ۵	مجلس شورای اسلامی	۲۰۰۲	۴۸	نساء، ۲۴ - نساء، ۱۴۷
جزء ۲۵	مجلس شورای اسلامی	۲۰۰۳	۱۵۸ص	فصلت، ۴۶ - جاثیه، ۵۱
جزء ۲۸	مجلس شورای اسلامی	۲۰۰۳	۱۵۸ص	مجادله، ۱۴ - تحریم، ۱۲
جزء ۱۴	کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران	۲۱۵۶	۵۴	حجر، ۱ - نحل، ۱۲۸
جزء ۱۶	حراج ساتبیز لندن (۱۸ اکتبر ۲۰۰۱)	کالای ش ۲۴	۵۲	کهف، ۷۵ - طه، ۱۳۵

در ادامهٔ آن مقال، بخش دیگری از این ترجمهٔ فارسی کهن قرآنی را که اکنون در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی قرار دارد، در این شماره معرفی و بازنویسی می‌کنم. این نسخه به شمارهٔ ۲۰۰۲ حاوی یک جزء قرآن کریم، سورهٔ نساء، آیات ۲۴ تا ۱۴۷

۱. نسخهٔ ۲۰۰۳ در مجلس شورای اسلامی در واقع حاصل کنارهم نهادن ۲ جزء از این قرآن است. از آغاز تا ص ۷۹، حاوی جزء ۲۵ قرآن کریم و از ص ۸۰ تا ۱۵۸، حاوی جزء ۲۸ قرآن کریم است. انتهای جزء ۲۵ و ابتدای جزء ۲۸ در این نسخه مفقود است.

(جزء پنجم قرآن) است که در ۹۵ صفحه کتابت شده و همانند دیگر پاره‌ها، ترجمه میان سطری فارسی با حروف ریزتر در میان سطور قرآنی آمده است.<sup>۱</sup> متن قرآن به خط نسخ کهن است و برای اعراب‌گذاری آن، از نظام قدیمی نقطه‌گذاری شنگرف استفاده شده است. با این همه، بعدها رنگ سبز برای نشان دادن تشدید، مدّ و همزه اضافه شده است. آیات قرآنی در این نسخه - به سنت قرآن‌نویسی متداول در قرون میانه - به ترکیبی از قرائات مختلف قراء سبعة کتابت شده و ترجمه فارسی نیز از این جهت، تقریباً همواره با متن آیات مطابقت دارد. به برخی از مهم‌ترین این موارد در پانویس‌های ذیل جدول قرآن و ترجمه فارسی اشاره کرده‌ام.

همانند دیگر پاره‌های این قرآن، رنگ سورمه‌ای یا لاجورد برای تغییر و نشان دادن یک قرائت خاص (معمولاً قرائت حمزه و کِسائی) و نیز برای اظهار موارد مدّ و مواضع وقف است. مثلاً کتابت و اعراب نَعِمًا (نساء، ۵۸) با رنگ لاجورد در ص ۲۸ نشان می‌دهد که این کلمه بعداً مطابق با حمزه، کِسائی و ابن‌عامر اعراب‌گذاری شده است. همچنین در ص ۸۱، ان یصالحا (نساء ۱۲۸) مطابق با ۴ قاری غیر کوفه (یَصَالِحَا) کتابت شده، و بعداً کسی با رنگ لاجورد، آن را به صورت یُصَلِّحَا (قرائت کوفی) اعراب‌گذاری کرده است. نیز در ص ۴، فاذا أَحْصَنَ با رنگ لاجورد مطابق با قرائت شُعبه و کِسائی و حمزه، و در همین صفحه، المحصِنات مطابق با قرائت کِسائی، اعراب‌گذاری شده است.

در بخش نخست مقاله، شواهد متعددی دالّ بر کهنگی متن قرآن و ترجمه فارسی را آوردم که تکرار آن‌ها در اینجا لازم نیست. تنها به فهرستی اجمالی از برخی واژه‌ها و ترکیب‌های خاص فارسی اشاره می‌کنیم: الفریضة: بریده // اُخذان: دوستکانان // فلا تبغوا: مه‌جویید // مختالاً فخورا: کشنده نازنده // کِفَل: پایندان // لَعْنَةُ: بنفرید او را // نشوزا: بدسازی // اولی: اولی‌تر // اصلحوا: بسامان شدند // واسع: فراخ‌کار // البریئاً: وی‌گناه // المحصنات: شوی‌مندان // یُرْکُون انفسهم: پاکیزه گویند تنهای خویش را // ارکسهم: نگونبار کرد // المجاهدین: کوشندگان.

### بازنویسی متن نسخه‌ش ۲۰۰۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

تمامی نسخه‌های کهن ترجمه فارسی از قرآن واجد اهمیت‌اند. حتی نسخه‌هایی که کاتب یا مترجم در آنها احتمالاً «ترجمه رسمی» را با اصلاح، تغییر، نوشدگی یا حتی با

۱. برای سایر اطلاعات فیزیکی نسخه‌نک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، تهران،

بدخوانی یا اشتباه خوانی می‌نویسد، در تاریخ زبان و خط فارسی و نیز در سیر تاریخی ترجمه فارسی قرآن از اهمیت بسیار برخوردارند. به جهت اهمیت قرآن حاضر از حیث ترجمه فارسی، متن فارسی ترجمه قرآن تنها از یک جزء آن (نسخه ش ۲۰۰۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) را بازنویسی کرده‌ام. طبیعی است که در اینجا، تحلیل متن قرآن و قرائت یا رسم به‌کار رفته در نسخه مورد نظر نبوده است.

در جدول زیر، در ستون اول، شماره صفحه متن در نسخه را آورده‌ام. در ستون دوم، متن آیات قرآن بنابر رسم رایج عثمانی و قرائت حفص از عاصم آمده است (ش ۲۰۰۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی و سایر اجزای آن در دیگر کتابخانه‌ها هم در رسم و هجای مصحف و هم در قرائت متن قرآن، متفاوت از قرائت و رسم رایج است). در ستون سوم، متن ترجمه فارسی با حفظ املائی کلمات مطابق با اصل نسخه آمده است. در اینجا تنها به اغلاط واضح املائی در متن نسخه تذکر داده شده است. در ستون چهارم و آخر، متن ترجمه فارسی بنابر املا و نقطه‌گذاری امروزی بازنویسی شده است. در این قسمت کوشیده‌ام کمترین تغییر اعمال شود تا متن هم برای خواندن ساده شود و هم بیشترین شباهت را به اصل همراه داشته باشد.

شماره آیات	متن آیات قرآن	متن ترجمه فارسی در نسخه خطی	بازنویسی متن نسخه
۱	وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَتَّبِعُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ	و شوی‌مندان از زبان مکر انک نادشاهست {دسته‌های شما} کتاب حذای بر شما و حلال کرد شما را ایج جذ از انست شما را که بحونذ لخواسته‌ها سما ناگان ناشیذ نه بلیدان و زباکنندگان	و شوی‌مندان از زنان مگر آنکه پادشاهست [دسته‌های شما] <sup>۱</sup> کتاب خدای بر شما. و حلال کرد شما را آنچه جز از آن است شما را که بجوید بخواسته‌های شما، پاکان باشید نه پلیدان و زناکنندگان
۲	فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَأْتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾ وَمَنْ	ایج برخوردارای کیربذ شماندان از ایشان بدهیذ ایشانرا کاونها ایشان واحب کرده و بست تنکی بر شما درایج بسندکار سویذ ندان از بس برده که حذای هست دانا درب کار درسب کفتار ﴿۲۴﴾ و هر که	آنچه برخوردارای گیرید شما بدان از ایشان، بدهید ایشانرا کاونها[ی] ایشان، واجب کرده. و نیست تنگی بر شما در آنچه پسندکار شوید بدان از پس بریده. که خدای هست دانا درستکار درست‌گفتار ﴿۲۴﴾ و هر که
۳	لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَكْرِهَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتْيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَأَنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ	نه توانذ از شما افزونی که بزنی کند زبان باک ازاد کرونداکان از ایج ناذاش شذ بسته‌ها شما از کنیرکان شما کروندکان و حذای دانا ترست بالمان ایشان برخی شما از برخی بزنی کنید ایشانرا بهرمان حذاوندان ایشان	تواند از شما افزونی که بزنی کند زنان پاک آزاد گرویدگان، از آنچه پادشاه شد دسته‌های شما از کنیرکان شما گرویدگان. و خدای دانا ترست به ایمان ایشان. <sup>۲</sup> برخی شما از برخی؛ بزنی کنید ایشانرا به فرمان خداوندان ایشان
۴	وَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ فَإِذَا أَحْصَيْنَ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ	و بدهذ ایشانرا کاونها ایشان بنیکوی باکنزکان نااشند نه رناکنندگان نه و کیرندگان دوسکانان خون باکنزه نااشند اگر ارند بلیذی بر ایشان باشد نیمی از ایج بر زبان باکیزه ازاد نااشند از عذاب	و بدهید ایشانرا کاونها[ی] ایشان بنیکوی، پاکیزگان باشند، نه زناکنندگان، و نه گیرندگان دوستکانان؛ چون پاکیزه باشند، اگر آرند پلیدی، بر ایشان باشد نیمی از آنچه بر زنان پاکیزه آزاد باشد از عذاب

۱. افتادگی در نسخه است.

۲. ترجمه ایمانکم به «ایمان ایشان» و با ضمیر غایب، ناشی از سهو کاتب می‌تواند باشد.

<p>آن آنراست که بترسد بزه از شما. و اگر صبر کنید، بهتر شما را؛ و خدای آمرزگار و بخشاینده است ﴿۱۵﴾ می خواهد خدای که پیدا کند شما [را]، و راه نماید شما را، راه آنان که از پیش شما بودند و توبه دهد بر شما؛ و خدای داناست راست کردار و راست گفتار ﴿۱۶﴾</p>	<p>ان انراست که بترسد بزه از شما و اگر صبر کنید بهتر شما را و خدای آمرزگار و بخشاینده است ﴿۱۵﴾ می خواهد خدای که پیدا کند شما و راه نماید شما را راه آنان که از پیش شما بودند و توبه دهد بر شما و خدای داناست راست کردار و راست گفتار ﴿۱۶﴾</p>	<p>ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٥﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٦﴾</p>	<p>۵</p>
<p>و خدای می خواهد که توبه دهد بر شما و می خواهد آنان که بسروی کردند شهوات را که بگردند گشتی بزرگ ﴿۱۷﴾ می خواهد خدای که سبک کند از شما، و بیافرید آدمی راست ﴿۱۸﴾ ای آنان که بگرویدند، مه</p>	<p>و خدای می خواهد که توبه دهد بر شما و می خواهد آنان که بسروی کردند شهوات را که بگردند گشتی بزرگ ﴿۱۷﴾ می خواهد خدای که سبک کند از شما و بیافرید آدمی راست ﴿۱۸﴾ ای آنان که بگرویدند مه</p>	<p>وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿١٧﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا</p>	<p>۶</p>
<p>خورید مالهای شما میان شما بناحق، مگر که باشد بازاریگانی از خشنودی از شما؛ و مکشید تنهای خویش را که خدای هست بشما بخشاینده ﴿۱۹﴾ و هر که کند آن بدشمنان و ستم، زود بود که اندر آرند او را در آتش و هست</p>	<p>خورید مالهای شما میان شما بناحق مگر که باشد بازاریگانی از خشنودی از شما و مکشید تنهای خویش را که خدای هست بشما بخشاینده ﴿۱۹﴾ و هر که کند آن بدشمنان و ستم زود بود که اندر آرند او را در آتش و هست</p>	<p>تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿١٩﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ</p>	<p>۷</p>

<p>آن بر خدای آسان ﴿۵۰﴾ اگر پرهیزید از گناهان بزرگ آنچه بازمی‌زنند شما را از او، پوشانیم از شما بدیها [ی] شما و درآریم شما را درآوردنی بزرگوار ﴿۵۱﴾ و آرزو مکنید آنچه فضل کرد خدای بدان برخی را از شما بر برخی. مردانرا بهره‌ای است از آنچه ساختند</p>	<p>ان بر حذای اسان ﴿۵۰﴾ اگر بپرهیزند از گناهان بزرگ ایچ ناز می‌زنند شما را ازو بنوسانیم از شما بدیها شما و دراریم شما را درآوردنی بررکوار ﴿۵۱﴾ و ارزو مکنید ایچ فضل کرد خدای بدان برخی را از شما بر برخی مردانرا بهره‌است از ایچ ساختند</p>	<p>ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۵۰﴾ إِنَّ تَحْتَبُونُوا كَبِيرًا مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ﴿۵۱﴾ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا</p>	<p>۸</p>
<p>و زنانرا بهره است از آنچه ساختند. و خواهید از خدای از فضل او که خدای هست به‌همه چیز دانا ﴿۵۲﴾ و هر کسی را کردیم دوستان از آنچه گذاشت مادر و پدر و خویشان. و آن کسانی که بیست<sup>۳</sup> دستها [ی] شما،</p>	<p>و زنانرا بهره است از ایچ ساختند و خواهید از حذای از فضل او که حذای هست به‌همه حیز دانا ﴿۵۲﴾ و هر کسی را کردم دوستان از ایچ گذاشت مادر و پدر و خویشان و انکسانی که بیست دستها شما</p>	<p>وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۵۲﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ</p>	<p>۹</p>
<p>بدهید ایشانرا بهره [ی] ایشان؛ که خدای هست بر همه چیز گواه ﴿۵۳﴾ مردان گماشتگان بر زنان بدانچه فضل نهاد خدای برخی را از ایشان بر برخی، و بدانچه هزینه کردند از خواستهای خویش. زنان بسامان فرمان برداران نگاهداران</p>	<p>بدهند ایشانرا بهره ایشان که حذای هست بر همه حیز گواه ﴿۵۳﴾ مردان کماسکان بر زنان بذایح فصل نهاد حذای برخی را از ایشان بر برخی و بذایح هزینه کردند از خواستهای خویش زنان بسامان فرمان برداران نگاه داران</p>	<p>فَأَتَوْهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۵۳﴾ الرَّجَالِ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ</p>	<p>۱۰</p>

۳. در متن قرآن در نسخه، عَاقَدْتُمْ (مطابق قرائت غیرکوفیان: نافع، ابن‌کثیر، ابوعمر، و ابن‌عاصم) آمده است، اما تأثیر این اختلاف قرائت در ترجمه فارسی مشهود نیست.

<p>راز و نهان بدانچه نگاه داشت خداى. و آن زنان که ترسید از نافرمانی ایشان، پند دهید ایشانرا، و ببرید از ایشان در بستر جایگاهها، و بزید ایشانرا. اگر فرمان برند شما را، مه جوید بر ایشان راهی؛ که خداى هست برتر و بزرگتر ﴿۲۱﴾</p>	<p>راز و نهان بدانچه نگاه داشت حذای و ان زبان که ترسد از نافرمانی اشان پند دهید ایشانرا و برید از ایشان در بستر جایگاهها و بزید ایشانرا اگر فرمان برند شما را مه جوید بر اشان راهی که حذای هست برتر و بزرگتر ﴿۲۱﴾</p>	<p>لَلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكَمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿۲۱﴾</p>	<p>۱۱</p>
<p>و اگر بترسید شما خلاف میان شوی و زن، بفرستید داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن، اگر خواهید بسامان شوند، ساخته کند خدای میان ایشان که خدای هست دانا و بینا ﴿۲۲﴾ و بترسید خداپرا و انباز مگیرید با او چیزی و با مادر و پدر</p>	<p>و اگر بترسد سما خلاف میان سوی و زن بفرستید داوری از کسان مرد و داوری از کسان زن اگر خواهید که بسامان سوزد ساخته کند خدای میان اشان که خدای هست دانا و بینا ﴿۲۲﴾ و بترسید خداپرا و انباز مگیرید با او حوری و نا مادر و بدز</p>	<p>وَإِن خِفْتُمْ شِقَاقَ بَنِيهِمَا فَاتَّبِعُوا حَكْمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۲۲﴾ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ</p>	<p>۱۲</p>
<p>نیکوی کردن و با خداوند خویشی و یتیمان و دراویشان، و همسایه خویشان، و همسایه بنگانه، و یاری که پهلو[ی] توست، و راه‌گذری، و آنچه پادشاه است دستها[ی] شما؛ که خدای دوست ندارد آنرا که باشد کشنده نازنده ﴿۲۳﴾</p>	<p>نکوی کردن با خداوند خویشی و بسامان و دراویشان و همسایه خویشان و همسایه بنگانه و یاری که پهلو توست و راه‌گذری و آنچه پادشاه است دستها شما که خدای دوست ندارد آنرا که باشد کشنده نازنده ﴿۲۳﴾</p>	<p>إِحْسَانًا وَبِذَى الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَالْحَارِ ذِي الْقُرْبَى وَالْحَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿۲۳﴾</p>	<p>۱۳</p>
<p>آنان که بخیلی می‌کنند و می‌فرمایند مردمانرا بیخیلی و می‌پوشند آنچه داد ایشان را خدای از فضل خویش؛ و ساختیم ما کافرانرا عذاب خوار کننده ﴿۲۴﴾ و آنان که هزینه می‌کنند خواستها[ی] ایشان بدیدار مردمان و نه می‌گردند بخدای و نه</p>	<p>انان که بحلی می‌کنند و می‌فرمایند مردمانرا بحلی و می‌پوشند آنچه داد ایشانرا خدای از فضل خویش و ساختیم ما کافرانرا عذاب خوار کننده ﴿۲۴﴾ و انان که هزینه می‌کنند خواستها ایشان بدیدار مردمان و نه می‌گردند بخدای و نه</p>	<p>الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿۲۴﴾ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا</p>	<p>۱۴</p>



<p>بروز رستخیز؛ و هرکه باشد دیو او را یاری، بد یاری است ﴿۱۵﴾ و چیست بر ایشان، اگر بگروند بخدای و روز بسین، و هزینه کنند از آنچه روزی کرد ایشانرا خدای؟ و هست خدای بدیشان دانا ﴿۱۶﴾ که خدای ستم نکند</p>	<p>بروز رسحیر و هرک ناسذ دیو او را یاری ند یاری است ﴿۱۵﴾ و حسست بر ایشان اکر بکروند بحدای و روز بسین و هزینه کنند از اسج روزی کرد ایشانرا حدای و هست حدای بدیشان دانا ﴿۱۶﴾ کحدای ستم نکند</p>	<p>۱۵ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ</p>
<p>آن که متابعت کنند تو را از گمراهان. و بهدرستی که دوزخ وعده‌گاه ایشان است همگان. آن را هفت در است هر دری را از ایشان پاره‌ای قسمت کرده. بهدرستی که پرهیزگاران در بهشت‌ها اند و چشمه‌هایی.</p>	<p>انک متابعت کسند ترا از گمراهان ﴿۱۵﴾ و بدرستی که دوزخ وعده گاه اشانست همگان ﴿۱۶﴾ انرا هفت در است هر دري را از ایشان بارهء قسمت کرده ﴿۱۷﴾ بدرستی که پرهیزکاران در بهشتهانند و چشمههاي ﴿۱۸﴾</p>	<p>۱۶ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِن تَكَ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ يَوْمَئِذٍ يُودُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ</p>
<p>اگر راست کنند بدیشان زمین و پنهان نکنند از خدای سخنی ﴿۱۹﴾ ای آنان که بگرویدند! نزدیکی مکنی<sup>۴</sup> بنماز و شما مستان، تا بدانید آنچه می‌گویید، و نه جنب مگر گذرندگان راه تا غسل کنید؛ و اگر</p>	<p>اگر راست کنند بدیشان زمین و پنهان نکنند از خدای سخنی ﴿۱۹﴾ ای انان که بگرویدند نزدیکی مکنی بنماز و شما مستان تا بدانید اسج مے‌گوید و نه جنب مگر گذرندگان راه تا غسل کُند و اکر</p>	<p>۱۷ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضَ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴿٤٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنْبًا إِلَّا غَائِبِيَ سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِن</p>

۴. ترجمه فعل جمع لا تقربوا به صورت مفرد مخاطب، ناشی از سهو کاتب، می‌تواند باشد. با این همه، همچنانکه در ادامه خواهیم دید، مترجم یا کاتب مکرراً در جاهای مختلف، فعل‌های جمع مخاطب را به گونه مفرد مخاطب ترجمه می‌کند. این امر می‌تواند نشان‌دهنده نوعی سبک گفتاری یا گویشی مترجم یا منطقه وی باشد.

<p>باشید بیماران یا بر سفر، یا آید یکی از شما از حدت کردن، یا دست فرا کرده باشید<sup>۵</sup> فرا زنان و نه یابید آب را، تیمم کنید بخاک نرم خوشپاک، بمالید برویهای خویش و دستهای خویش که خدای هست درگذرانده<sup>۶</sup> آمرزنده<sup>۷</sup></p>	<p>باشید بیماران یا بر سفر ما ایذ یکی از شما از حدت کردن ما دست فرا کرده باشید فرا زنان و نه یابید اب را تیمم کنید بخاک نرم حوس پاک بمالید برویهای خویش و دستهای خویش که خدای هست در گذارنده امر رنده<sup>۸</sup></p>	<p>كُنْتُمْ مَرَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْعَائِطِ أَوْ لَمْ تَمْسُتُمُ اللَّيْسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿١٣﴾</p>	<p>۱۸</p>
<p>نه بینی سوی آن کسانی که بدادند ایشانرا بهره‌ای از کتاب؟ می‌خرند بیراهی را و می‌خواهند که گم شوند از راه<sup>۹</sup> و خدای داناترست بدشمنان شما و بسنده بود بخدای یار، و بسنده بود خدای نصرت کن<sup>۱۰</sup> از آنان که جهود شدند</p>	<p>نه بنی سوی انکسانی کندادند اشانرا بهره از کتاب مخرند بی راهی را و می‌خواهند که کم شوند از راه<sup>۱۱</sup> و خدای داناترست بدشمنان شما و بسنده بود بخدای یار و بسنده بود خدای نصرت کن<sup>۱۲</sup> از آنانک جهود شدند</p>	<p>أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيحًا مِّنَ الْكِتَابِ يُشْرُونَ الصَّلَاةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٤﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَابِكُمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿١٥﴾ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا</p>	<p>۱۹</p>
<p>می‌گردانید سخن را از جایگاه‌های آن و می‌گویند: بشنودیم ما و بیفرمان شدیم، و بشنو که مه‌شنویا. و می‌گویند: مراعات کن ما را، گردانیدن بزبانهای ایشان و طعن کردن در دین؛ و اگر ایشان گفتندی بشنودیم، و فرمان بردیم، و بشنو و بنگر بما،</p>	<p>می‌گردانید سخن را از جایگاه‌های آن و می‌گویند بشنودیم ما و بی فرمان شدیم و بشنو که مه‌شنویا و می‌گویند مراعات کن ما را گردانیدن بزبانهای ایشان و طعن کردن در دین و اگر ایشان گفتندی بشنودیم و فرمان بردیم و بشنو و بنگر بما</p>	<p>يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مَسْمُوعٍ وَرَاعَيْنَا لِيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَاَنْظُرْنَا</p>	<p>۲۰</p>

۵. در متن قرآن در نسخه، لَمْ تَمْسُتُمْ (مطابق قرائت حمزه و کسائی) آمده است، اما تأثیر این اختلاف قرائت در ترجمه فارسی مشهود نیست.

۶. ترجمه صحیح در اینجا «می‌گردانند» است و نگارش فعل به صورت مخاطب ناشی از سهو کاتب می‌تواند باشد. هیچ قرائتی هم مطابق با می‌گردانید (حُرِّفُونَ) نداریم. خاصه آنکه، در متن نسخه، قرائت يُحَرِّفُونَ آمده است.

<p>بودی بهتر ایشانرا و پاینده‌تر، و لکن نفرین کرد ایشانرا خدای بکفر ایشان، بنمی‌گروند مگر اندک ﴿۶۵﴾ ای آنان که دادند ایشانرا کتاب! بگروید بدانچه فرستادیم ما باوردارنده آنرا که با شماسست، از پیش آنکه محو کنیم رویها را؛ بازگردانیم آنرا بر</p>	<p>بودی بهتر ایشانرا و سادسه تر ولکن بعربس کرد ایشانرا خدای بکفر ایشان بسمی‌گروند مگر اندک ﴿۶۵﴾ ای آنان که دادند ایشانرا کتاب بگروند بدانچه فرستادیم ما باوردارنده انرا که کبا شماسست از نشش انک محو کنیم رویها را باز کردانیم انرا ﴿۱﴾ بر</p>	<p>لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بَمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلُ إِنَّ تَطْمِئِنُّ وُجُوهًا فَرَدَّهَا عَلَيَّ</p>	<p>۲۱</p>
<p>پشتهای آن، یا نفرین کنیم ایشانرا چنانچه نفرین کردیم خداوندان شنبه را؛ و باشد فرمان خدای کرده ﴿۶۶﴾ که خدای نیامرزد آنرا که انباز گیرد باو، و بیامرزد آنچه فرود آنست آنرا که خواهد؛ و هرکه انباز گیرد بخدای، بدرستی که فرابافت بزهی بزرگ ﴿۶۶﴾</p>	<p>پشتهای آن یا نفرین کنیم ایشانرا جناح بعربس کردم خداوندان سنبه را و باشذ فرمان خدای کرده ﴿۶۶﴾ که خدای نیامرزد انرا که انباز گیرذ ناو و سامرزد ایچ فرود آنست انرا که خواهد و هرک انبار گیرذ بخدای بدرستی که فرابافت بزء بزرک ﴿۶۶﴾</p>	<p>أَدْبَارَهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٦٦﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونِ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيمًا ﴿٦٦﴾</p>	<p>۲۲</p>
<p>یا نهیبنی بسوی آنان که پاکیزه گویند تنها[ی] خویش را؟ نه! که خدای پاک کند آنرا که خواهد و ستم نکنند مقدار پوستی که در شکاف حسنه خرما باشد ﴿۶۷﴾ بنگر چگونه فرا می‌بافند بر خدای دروغ و بسنده است بدان بزهی روشن ﴿۶۷﴾ نهیبنی سوی آنان که دادند ایشانرا بهره‌ای از کتاب؟ که می‌گروند</p>	<p>یا نه بیبنی بسوی آنان که پاکیزه گویند بسها خوش را نه کخدای پاک کند انرا که خواهد و ستم نکند مقدار پوستی که در سکاف حسسه خرما باشذ بنگر چگونه فرا می‌بافند بر خدای دروغ و سنده است بدان بزء روشن ﴿۶۷﴾ نه بیبنی سوی انانک دادند ایشانرا بهره از کتاب که می‌گروند</p>	<p>أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُرَكَّبُونَ أَنْفُسَهُمْ بِاللَّهِ يُرَكِّبُ مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ قَتِيلًا ﴿٦٧﴾ انظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ﴿٦٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ</p>	<p>۲۳</p>

<p>بیت و هرچه جز از خدای پیرسند، و می‌گویند آنانرا که کافر شدند: اینان بر راه‌ترند از آنان که بگرویدند راهی ﴿۵۴﴾ ایشان‌اند آنان که نفرین کرد ایشانرا خدای و هرکه نفرین کرد او را خدای، نه یای <sup>۷</sup> او را یار ﴿۵۵﴾ یا ایشانرا بهره‌ای از</p>	<p>بیت و هرج جز از خدای پرسند و می‌گویند آنانرا که کافر شدند آنان بر راه‌ترند از آنان که بگرویدند راهی ﴿۵۴﴾ ایشان‌اند آنان که نفرین کرد ایشانرا خدای و هر که نفرین کرد او را خدای نه یایی او را یار ﴿۵۵﴾ یا ایشانرا بهره‌ای از</p>	<p>بِالْحَبِئِ وَالظَّالِمَاتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هُؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ﴿٥٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٥﴾ أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنْ</p>	<p>۲۴</p>
<p>پادشاهی [است]؟ آنگاه ندهند مردمانرا به مقدار نقطه‌ای که پشت حسنه خرما باشد ﴿۵۶﴾ یا حسد می‌کنند مردمانرا بدانچه داد ایشانرا خدای از فضل خویش؟ بدرستی که دادیم گروه ابراهیم را کتاب و حکمت، و دادیم ایشانرا پادشاهی بزرگ ﴿۵۷﴾ از ایشان آنکه بگروید بدو، و از ایشان کس بود که برگردید ازو؛</p>	<p>نانشاهی انگاه نه دهند مردمانرا بمقدار نقطه‌ای که پشت حسنه خرما باشد ﴿۵۶﴾ حسد می‌کنند مردمانرا بدانچه داد ایشانرا خدای از فضل خویش بدرستی که دادیم گروه ابراهیم را کتاب و حکمت و دادیم ایشانرا نانشاهی بزرگ ﴿۵۷﴾ از ایشان انک بگروید بدو و از ایشان کس بود کبر کردید ازو</p>	<p>الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ تَقِيرًا ﴿٥٦﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ أَتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٧﴾ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ</p>	<p>۲۵</p>
<p>و بسنده است دوزخ آتش سوزنده ﴿۵۸﴾ که آنان که کافر شدند بحجتهای ما، زود بود که دراریم ایشانرا در آتشی؛ هرکه که سوخته شود پوستهای ایشان، دیگر گردانیم ایشانرا پوستها جز <sup>۸</sup> از آن، تا بچشند عذاب؛ که خدای هست ارجمند راست‌گفتار راست‌کردار ﴿۵۹﴾ آنان که بگرویدند</p>	<p>و بسنده است دوزخ آتش سوزنده ﴿۵۸﴾ که آنان که کافر شدند بحجتهای ما روز بود کدراریم ایشانرا در آتشی هرکه که کسوخته شود پوستهای ایشان دیگر گردانیم ایشانرا پوستها جز از آن با بچشند عذاب که خدای هست ارجمند راست‌گفتار راست کردار ﴿۵۹﴾ آنان که بگرویدند</p>	<p>وَكَفَىٰ بَجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمًا تَضَحَّتْ جُلُودُهُمْ بِدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٩﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا</p>	<p>۲۶</p>

۷. نیایی.

۸. در متن نسخه، کلمه جز با املائی قدیم، جذ نوشته شده است.

<p>و کردند نیکبها، زود بود که درآریم ایشانرا در بهشتهایی، می‌رود از زیر آن جویها، جاویدان در آنجا همیشه؛ ایشانراست در آنجا زنانی پاک کرده؛ و درآریم ایشانرا در سایه‌ای همیشه سایه ﴿۵۷﴾ که خدای می‌فرماید شما را که بگزایید امانتها را بخداوندان آن، و چون داوری برید</p>	<p>و کردند نیکبها روز بود که درآریم ایشانرا در بهشتهای می‌رود از زیر آن جویها جاویدان در آنجا همیشه ایشانراست در آنجا ربانی پاک کرده و درآریم ایشانرا در سایه همیشه سایه ﴿۵۷﴾ کحذای می‌فرماید شما را که بگزایید امانتها را بخداوندان آن و چون داوری برید</p>	<p>وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ</p>	<p>۲۷</p>
<p>میان مردمان، که داوری برید براستی. که خدای نیک پند می‌دهد شما را؛ که خدای هست شنوا و بینا ﴿۵۸﴾ ای آنان که بگرویدند! فرمان برید خدایرا و فرمان برید پیغامبر را و خداوندان کار را از شما؛ اگر خلاف کنید در چیزی</p>	<p>میان مردمان که داوری برید براستی که خدای نیک پند می‌دهد شما را کحذای هست سنوا و بسا ﴿۵۸﴾ ای آنان که بگرویدند فرمان برید خدایرا و فرمان برید پیغامبر را و خداوندان کار را از شما اگر خلاف کنید در چیزی</p>	<p>بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۵۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُوَلِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ</p>	<p>۲۸</p>
<p>بازگردانید آنرا بسوی خدای و پیغامبر، اگر هستید می‌گروید بخدای و روز واپسین؛ آن بهتر و نیکوتر بعاقبت ﴿۵۹﴾ یا نهیبی سوی آنان که دعوی می‌کنند که ایشان بگرویدند بدانچه فرستادند بتو، و آنچه فرستادند از پیش تو؟</p>	<p>باز گردانید آنرا بسوی خدای و پیغامبر اگر هستید می‌گروید بخدای و روز واپسین؛ آن بهتر و نیکوتر بعاقبت ﴿۵۹﴾ یا نهیبی سوی آنان که دعوی می‌کنند کایشان بگرویدند بدانچه فرستادند بتو و آنچه فرستادند از پیش تو</p>	<p>فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۵۹﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ</p>	<p>۲۹</p>
<p>می‌خواهند که داوری کنند به بت - و گویند کعب بن الاشرف را - و بدرستی که فرموده‌اند که کافر شوند بدو؛<sup>۹</sup> و می‌خواهد دیو که بیراه کند ایشانرا بیراه کردن دور ﴿۶۰﴾ و چون گویند ایشانرا: بیاید بدانچه فرستاد خدای، و سوی پیغامبر، بینی</p>	<p>می‌خواهند که داوری کنند به بت و گویند کعب بن الاشرف را و بدرستی که فرموده‌اند که کافر شوند بدو و می‌خواهد دیو که بیراه کند ایشانرا بی راه کردن دور ﴿۶۰﴾ و چون گویند ایشانرا بناسند بدانچه فرستاد خدای و سوی پیغامبر بینی</p>	<p>يُرِيدُونَ أَنْ يُتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۶۰﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ</p>	<p>۳۰</p>

۹. در متن نسخه، کلمه فارسی بدو، مطابق رسمی قدیمی به شیوه‌ای عربی به صورت «بدوا» نوشته شده است.

<p>منافقان را دور می‌شوند از تو دور شدنی ﴿۵۱﴾ چگونه بود، چون رسد بدیشان مصیبتی بدانچه پیش فرستاد دستهای ایشان، پس آیند بتو سوگند می‌خورند بخدای که نخواستیم ما مگر نیکویی و توفیق؟ ﴿۵۲﴾ ایشان اند آنان که می‌داند خدای آنچه در</p>	<p>منافقانرا دور می‌شوند از تو دور شدنی ﴿۵۱﴾ چگونه بود چون رسد بدیشان مصیبتی بذایج نبش فرستاد دستهای ایشان بس اند نتو سوگند می‌خورند بخدای که نخواستیم ما مگر نیکوء و توفیق ﴿۵۲﴾ ایشان اند آنان که می‌داند خدای احج در</p>	<p>رَأَيْتَ الْمُتَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٥١﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمْتَ أَيْدِيَهُمْ ثُمَّ جَاؤُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٥٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي</p>	<p>۳۱</p>
<p>دلهای ایشانست. برگرد از ایشان، و پند ده ایشان، و گو ایشان را در تنها[ی] ایشان گفتاری نیک رسیده ﴿۵۳﴾ و نه فرستادیم ما از پیغامبری مگر تا فرمان برند او را بفرمان خدای؛ و اگر ایشان - چون ستم کردند بر تنها[ی] ایشان - آمدندی بتو، آمرزش خواستندی از خدای، و آمرزش خواستی</p>	<p>دلهاء اشانست. برگرد از اشان و بند ده اشان و كو اشانرا در تنها اشان گفتاری نك رسیده ﴿۵۳﴾ و نه فرستادیم ما از بعامری مكر تا فرمان برند او را بفرمان خدای و اكر اشان حون ستم كردند بر تنها اشان امدندی نتو امرزش خواستندی از خدای و امرزش خواستی</p>	<p>قُلُوبِهِمْ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَعَظْمُهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٥٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ</p>	<p>۳۲</p>
<p>ایشانرا پیغامبر، یافتندی خدایرا توبه دهنده بخشاینده ﴿۵۴﴾ نه! و بخدای تو! بنه‌گروند تا حکم کنند ترا در آنچه افتد میان ایشان؛ پس نه‌یآوید<sup>۱</sup> در تنها[ی] ایشان تنگی از آنچه تو حکم کنی، و گردن نهند گردن نهادنی ﴿۵۵﴾ و اگر ما</p>	<p>اشانرا بعامر ناهسندی خدایرا توبه دهنده بحسابنده ﴿۵۴﴾ نه و بخدای تو بنه كرونبد تا حكم كُندند ترا در انج افتد میان اشان بس نه ناوید در تنها اشان تنگی از انج تو حكم کنی و كردن نهند كردن نهادنی ﴿۵۵﴾ و اكر ما</p>	<p>لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٥٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٥﴾ وَلَوْ أَنَّا</p>	<p>۳۳</p>

۱۰. نیابید. ترجمه صحیح در اینجا «نیانند/لا یجدوا» به صیغه غائب است و نگارش فعل به صورت مخاطب ناشی از سهو کاتب می‌تواند باشد. هیچ قرائتی هم مطابق با نیابید (لا یجدوا) نداریم. خاصه آنکه، در متن نسخه، قرائت لا یجدوا آمده است.

<p>واجب کنیم بر ایشان که بکشید تنها [ی] شما اگر" بیرون شوید از سراپها [ی] شما، نه کردندی مگر اندکی از ایشان؛ و اگر ایشان کنند آنچه پند می دهند بدان، بودی بهتر ایشانرا و سختتر استوار ﴿۳۴﴾ و آنگاه بدھیم ایشانرا از نزدیک ما</p>	<p>واجب کنیم بر ایشان که بکشند تنها شما اگر بیرون سود از سراپها شما نه کردندی مگر اندکی از ایشان و اگر ایشان کنند آنچه پند می دهند بدان بودی بهتر ایشانرا و سختتر استوار ﴿۳۴﴾ و آنگاه بدھم ایشانرا از نزدیک ما</p>	<p>كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ اُخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا ﴿٣٤﴾ وَإِذًا لَا تَبْتَغَاهُمْ مِّنَ لَّدُنَّا</p>	<p>۳۴</p>
<p>مزدی بزرگ ﴿۳۵﴾ و راه نمایم ایشانرا راهی راست ﴿۳۵﴾ و هرکه فرمان برد خدایا و پیغامبر را، ایشان اند و آنان<sup>۱۱</sup> که نعمت نهاد خدای بر ایشان از پیغامبران و صدیقان و شهیدان و بسامانان؛ و نیک اند ایشان یاران ﴿۳۵﴾</p>	<p>مزدی بزرگ ﴿۳۵﴾ و راه نمایم ایشانرا راهی راست ﴿۳۵﴾ و هرک فرمان برد خدایا و پیغامبر را ایشان که کنعمت نهاد خدای بر ایشان از پیغامبران و صدیقان و سهدان و بسامانان و نیک اند ایشان یاران ﴿۳۵﴾</p>	<p>أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾ وَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿٣٥﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿٣٥﴾</p>	<p>۳۵</p>
<p>این فضلی است از خدای و بسنده است بخدای دانا ﴿۳۶﴾ ای آنکسانی که بگرویدند! گیرید حذر شما، بغزو شوید گروه گروه یا بشوید همه ﴿۳۶﴾ و هست از شما آنکه باخبر کند؛ اگر رسد بشما اندوهی، گفت که نعمت نهاد</p>	<p>این فضلی است از خدای و بسنده است بخدای دانا ﴿۳۶﴾ ای آنکسانی که بگرویدند! گیرید حذر شما بعرو سوید گروه گروه یا بشوید همه ﴿۳۶﴾ و هست از شما آنک باخبر کند اگر رسد بشما اندوهی گفت که نعمت نهاد</p>	<p>ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٣٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا ﴿٣٦﴾ وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْتَغِيَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ</p>	<p>۳۶</p>

۱۱. ترجمه او به اگر نادرست می نماید.

۱۲. و آنان = با آنان.

<p>خدای بر من چون نبودم با ایشان حاضر ﴿۷۲﴾ و اگر رسد بشما فضلی از خدای، گویند<sup>۱۳</sup> - چنانکه نبود میان شما و میان او دوستی - ای کاشکی من بودمی با ایشان تا بیافتمی یافتنی بزرگ ﴿۷۳﴾ کارزار کن در راه خدای</p>	<p>خدای بر من حن نبود{م} با ایشان حاضر ﴿۷۲﴾ و اگر رسد شما فضلی از خدای گویند حنانک نبود میان شما و میان او دوستی ای کاشکی من بودمی با ایشان با ناهتمی ناهتمی بر رک ﴿۷۳﴾ کارزار کن در راه خدای</p>	<p>اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ</p>	<p>۳۷</p>
<p>با آنکسانی که می‌خرند زندگانی این جهان بآن جهان؛ و هر که کارزار کند در راه خدای، بکشند او را یا او غلبه کند، زود بود که بدهیم او را مزدی بزرگ ﴿۷۴﴾ و چه بود شما را که کارزار نمی‌کنید در راه خدای و آنکه باشند ضعیفان از مردان و زنان</p>	<p>با آنکسانی که می‌خرند زندگانی این جهان بآن جهان؛ و هر که کارزار کند در راه خدای، بکشند او را یا او غلبه کند، زود بود که بدهیم او را مزدی بزرگ ﴿۷۴﴾ و چه بود شما را که کارزار نمی‌کنید در راه خدای و آنکه باشند ضعیفان از مردان و زنان</p>	<p>الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ</p>	<p>۳۸</p>
<p>و کودکان؟ آنان که می‌گویند: خداوند ما! بیرون بر ما را ازین دیه که ستم‌کارند اهل آن و کن ما را ما را<sup>۱۴</sup> از نزدیک تو دوستی و کن ما را از نزدیک تو یاری ﴿۷۵﴾ آنان که بگریزند، کارزار می‌کنند در راه خدای و آنان که کافر شدند</p>	<p>و کودکان آنان که می‌گویند: خداوند ما بیرون بر ما را ازین دیه که ستم‌کارند اهل آن و کن ما را ما را از نزدیک تو دوستی و کن ما را از نزدیک تو یاری ﴿۷۵﴾ آنان که بگریزند، کارزار می‌کنند در راه خدای و آنان که کافر شدند</p>	<p>وَالْوِلْدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَوْلَاهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا</p>	<p>۳۹</p>

۱۳. ظاهراً مترجم لَيَقُولَنَّ به صیغه جمع خوانده و ترجمه کرده است که نادرست می‌نماید. چنین قرائتی در میان قراء سبعة ذکر نشده و تنها حسن بصری - از قراء چهارده گانه - آن را به صیغه جمع (لَيَقُولَنَّ) خوانده است.

۱۴. «ما را» در نسخه زائد است.



<p>کارزار می‌کنند در راه دیو و براهی. کارزار کنید با دوستان دیو که مکر دیو هست سست هست <sup>۷۵</sup> نه می‌بینی سوی آنانکه گفتند ایشانرا: فرو دارید دستها [ی] شما و بیای دارید نماز را و بدهید زکوة را؟ چون واجب گردید</p>	<p>کارزار می‌کنند در راه دیو؟ راهی کارزار کنید با دوستان دیو که مکر دیو هست سست <sup>۷۵</sup> به می‌بینی سوی آنانکه گفتند ایشانرا فرو دارد دستها شما و بسای دارید نماز را و بدهند زکوة را حون واحب کرذید</p>	<p>يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ</p>	<p>۴۰</p>
<p>بر ایشان کارزار، چون گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان چنانکه ترسند از خدای یا سختر از ترس. و گویند: خداوند ما، چرا نبستی بر ما کارزار؟ چرا نه بازگذاشتی ما را به سوی زمانی نزدیک؟ بگوی: برخورداری این جهان اندکست و آن جهان بهتر</p>	<p>بر ایشان کارزار حون گروهی از ایشان می‌ترسند از مردمان چنانکه ترسند از خدای یا سختر از ترس و گویند خداوند ما چرا نبستی بر ما کارزار چرا نه بازگذاشتی ما را به سوی زمانی نزدیک بکوی برخورداري اس جهان اندکست و ان جهان بهتر</p>	<p>عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ</p>	<p>۴۱</p>
<p>آنها که بیرهیزد و ستم نکنند بر ایشان<sup>۷۵</sup> چیز اندک <sup>۷۶</sup> هر کجا باشید، رسد بشما مرگ و اگر باشید در برجها برفراشته و اگر رسد بدایشان نیکویی، گویند: این از نزدیک خداست؛ و اگر رسد بدیشان بدی،</p>	<p>انرا که بیرهیزد و ستم نکند بر انسان حیز انبک <sup>۷۶</sup> هر کجا ناسد رسد بشما مرگ و اگر باشید در برجها برفراشته و اگر رشد ندانشان نیکوء گویند این از نزدیک خداست و اگر رسد ندشان بذي</p>	<p>لَمِنَ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلاً ﴿٧٧﴾ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ</p>	<p>۴۲</p>
<p>گویند: این از نزدیک توست. گو: همه از نزدیک خداست. چه بودست این گروه را که نخواهند که دریاوندی سخنی؟ <sup>۷۷</sup> آنچه رسد بتو از نیکی از خداست، و آنچه رسد بتو از بدی، از تن توست؛ و فرستادم ما ترا</p>	<p>گویند این از نزدیک توست کو همه از نزدیک خداست چه بودست این گروه را کنه خواهند کدریاویدی سخنی <sup>۷۷</sup> ایچ رسد بتو از نیکی از خداست و ایچ رسد بتو از بذي از تن توست و فرستادم ما ترا</p>	<p>يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَا لَهُمْ قُلُوبٌ غَافِلَةٌ أَلَمْ يَكْفُرُوا بِالَّذِينَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ</p>	<p>۴۳</p>

۱۵. در متن قرآن در نسخه، لَا يُظْلَمُونَ (مطابق با قرائت ابن‌کثیر، حمزه و کسائی) آمده است، و ترجمه فارسی هم مطابق با همین قرائت انجام گرفته است.

<p>مردمانرا بیغامبری و بسنده بود          مردمانرا بیغامبری، و بسنده بود          خدای گواهی ﴿۷۹﴾ هرکه فرمان          برد پیغامبر را، بدرستی که          طاعت داشت خدایرا؛ و هر که          برگردد، نفرستادیم ترا برایشان          نگاهدار ﴿۸۰﴾ و می‌گویند:          فرمان بریم؛ چون بیرون شوند          از نزدیک تو، شب گذارند، و          سگالند گروهی</p>	<p>مردمانرا بیغامبری و بسنده          بود خدای گواهی ﴿۷۹﴾ هرک          فرمان برد پیغامبر را بدرستی          کطاعت داسب خدایرا و          هرک برکردن نه فرستادم          ترا بریشان نگاه دار ﴿۸۰﴾ و          می‌گویند فرمان بریم چون          بیرون سویذ از نزدیک تو          شب گذارند و سگالند گروهی</p>	<p>لِّلنَّاسِ رُسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ          شَهِيدًا ﴿٧٩﴾ مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ          فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ          فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ          حَفِيظًا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ          فَإِذَا بَرَأُوا مِنَ عِنْدِكَ بَيَّتَ          طَائِفَةٌ</p>	<p>۴۴</p>
<p>از ایشان بر جز ۱۶ از آن که          می‌گویی و خدای بنویسد          آنچه می‌سگالند. رویگرد از          ایشان و توکل کن بر خدای؛ و          بسنده است بخدای وکیل ﴿۸۱﴾          یا درنه اندیشند در قرآن؟ و اگر          بودی از نزدیک جز خدای،          یافتندی در آن خلاف</p>	<p>از ایشان بر جز از ان که          می‌گویی و خدای بنویسد          ابع می‌سگالند رویگرد از          ایشان و توکل کن بر خدای و          بسنده اسب بخدای وکیل ﴿۸۱﴾          نا در نه اندیشند در قران و          اگر بودی از نزدیک حدز          خدای بافتندی در ان حلاف</p>	<p>مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ          يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ فَأَعْرِضْ          عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ          وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا          يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَانَ وَلَوْ كَانَ          مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا          فِيهِ اخْتِلَافًا</p>	<p>۴۵</p>
<p>بسیار ﴿۸۲﴾ و چون آمد بدیشان          کاری از ایمنی یا ترس، آشکارا          کنند آنرا و اگر بازآرند آنرا با          پیغامبر و یا خداوندان فرمان          از ایشان، بدانندی آنرا آنان          که بیرون توانند آورد علم به          اندیشه از ایشان؛ و اگر نه فضل          خدایستی بر شما</p>	<p>سپار ﴿۸۲﴾ و حون امذ ندشان          کاری از ایمنی یا ترس اسکارا          کنند انرا و اگر باز اردن انرا با          بسعامبر و یا خداوندان فرمان          از ایشان بدانند انرا          انان که بیرون توانند آورد          علم باندیشه از ایشان و اگر          نه فضل خدایستی بر شما</p>	<p>كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ          مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْحُوفِ أَذَاعُوا          بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى          أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ          الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ          وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ</p>	<p>۴۶</p>
<p>و رحمت او، پسروی کردی شما          دیو را مگر اندکی ﴿۸۳﴾ کارزار          کن در راه خدای و نه خواهند          مگر تن تو؛ و برانگیز گروهیدگان          را تا مگر باشد خدای که بازدارد          رنج آنان که کافر شدند و خدای          سخت گیرنده ترست و سخت          عقوبت تر ﴿۸۴﴾ هر که</p>	<p>و رحمت او بس روی کردی          شما دیو را مگر اندکی ﴿۸۳﴾          کارزار کن در راه خدای و نه          خواهند مگر تن تو و برانگیز          گروهیدگان تا مگر باشد          خدای که باز دارد رنج آنان          که کافر شدند و خدای سخت          گیرنده ترست و سخت عقوبت          تر ﴿۸۴﴾ هر که</p>	<p>وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبِعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا          قَلِيلًا ﴿٨٣﴾ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ          اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ          وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى          اللَّهُ أَنْ يَكْفِكَ بِأَسَى الَّذِينَ          كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ          تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَنْ</p>	<p>۴۷</p>

<p>شفاعت کند شفاعتی نیکو، باشد او را بهره‌ای از آن؛ و هر که شفاعت کند شفاعت بد، باشد او را پایندانی از آن. و هست خدای بر همه چیز توانا و چون سلام کنند شما را  و چون سلام کنید شما را ، جواب دهید بنیکوتر از آن یا</p>	<p>شفاعت کند سعاعتی نیکو باشد او را بهره از آن و هرک شفاعت کند سعاعت بد باشد او را نابدانی از آن و هست خدای بر همه حر ثو {ا}نا  و حون سلام کند شما را سلامی جواب دهند بسکوتر از آن یا</p>	<p>يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَّهٗ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَّهٗ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيبًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنِ مِمَّنْهَا أَوْ</p>	<p>۴۸</p>
<p>بازگردانید آنرا؛ که خدای بود بر همه چیز شماردار  خدای نیست خدای مگر او که جمع کندتان سوی روز رستخیز، نیست شک در آن؛ و کیست راستگوتر آن خدای بحدیث؟  چیست که شما در کار منافقان دو گروه شدی <sup>۱۷</sup> و خدای نگوینار کرد ایشانرا</p>	<p>باز گردانید انرا که خدای بوذ بر همه حیر شمار دار  خدای بسست خدای مکر او که جمع کندتان سوی روز رستخیز بسست شک در آن و کیسب راست کو تر ان خدای بحدیث  جسست که شما بر کار منافقان دو گروه شدی و خدای نکونبار کرد ایشانرا</p>	<p>رُدُّوْهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعََكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ</p>	<p>۴۹</p>
<p>بدانچه کردند؟ یا میخواهید که راه نمایید آنرا که گم کرد آنرا خدای؟ و هرکه راه نماید او را خدای، نه یابی او را راهی  و خواهند اگر کافر شوید چنانکه کافر شدند تا باشید یکسان؛ مه‌گیرید <sup>۱۸</sup> از ایشان دوستان تا هجرت کنند در</p>	<p>بدانج کر بند با مے خواهیید که راه نماسد انرا انرا که کم کرد انرا خدای و هرک راه ننماند او را خدای نه بانی او را راهی  و خواهند اگر کافر شویذ حنانک کافر سندند تا باسد نک سان مکیریند از انشان دوستان تا هجره کنند بر</p>	<p>بِمَا كَسَبُوا أَتْرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَئِن نَّجَدْ لَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَذُو لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءَ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي</p>	<p>۵۰</p>

۱۷. ترجمه ضمیر جمع "لکم" به صورت مفرد مخاطب «شدی»، ناشی از سهو کاتب می‌تواند باشد.

۱۸. مگیرید.

<p>راه خدای؛ اگر برگردند، بگیرد ایشانرا و بکشید ایشانرا هر کجا یاوید ایشانرا و مهگیرید از ایشان دوستی و نه یاری ﴿۵۸﴾ مگر آنانکه ببیوندند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهدی است، اگر ۱۹ آیند بشما، تگ شده باشد دلها[ی] ایشان که</p>	<p>راه خدای اکر برگردند بگیریذ ایشانرا و بکشید ایشانرا هر کجا ناوید ایشانرا و مه گیریذ از ایشان دوستی و نه یاری ﴿۵۸﴾ مکر انانک بسوندند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهده است اکر اند بشما سگ شده ناسذ بلها ایشان که</p>	<p>سَبِيلَ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَحُذِرْهُمُ وَإِقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۵۹﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَن</p>	<p>۵۱</p>
<p>حرب کنند با قوم خویش ۲۰ یا حرب کنند با قوم خویش؛ و اگر خواهد خدای، برگمارد ایشانرا بر شما تا حرب کنند با شما. پس اگر دور شوند از شما و حرب نکنند با شما و اوکنند ۲۱ بشما صلح را، نه کرد خدای شما را بر ایشان راهی ﴿۵۹﴾ زود بود که یاوند دیگران</p>	<p>حرب کند نا قوم خویش نا حرب کند نا قوم خویش و اکر خواهد خدای بر کمارذ ایشانرا بر شما تا حرب کند نا شما س اکر دور سوند از شما و حرب نکنند نا شما و اوکنند بشما صلح را نه کرد خدای شما را بر ایشان راهی ﴿۵۹﴾ زود بود که ناوند بیکران</p>	<p>يُقَاتِلُونَكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلْتُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَى كُمْ السَّلَامُ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿۶۰﴾ سَتَجِدُونَ آخِرِينَ</p>	<p>۵۲</p>
<p>می خواهند که ایمن دارند شما را و ایمن دارند قوم ایشانرا. هر آنگاه که بازگردانند سوی فتنه، نگویند ۲۲ دراوکنند ایشانرا در آن. پس اگر به یکسو بشوند از شما، و اوکنند بشما صلح، و فرو دارند دستهای خویش، بگیرد ایشانرا و بکشید ایشانرا هرکجا یاوید ایشانرا؛ و ایشان اند</p>	<p>مے خواهد که امن دارند شما را و امن دارند قوم ایشانرا هر اگاه که باز گردانند سوی فتنه نکوسار دراوکنند ایشانرا بزبان س اکر بیکسو بسوند از شما و اوکنند بشما صلح را و فرودارند دستهای خویش بگیریذ ایشانرا و بکشید ایشانرا هر کجا ناوید ایشانرا {۱} و ایشان اند</p>	<p>يُرِيدُونَ أَن يُامَنُوكُمْ وَيَآمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ مَا رَدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِن لَّمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيَدِيَهُمْ فَحُذِرْهُمُ وَإِقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولِيكُمْ</p>	<p>۵۳</p>

۱۹. ترجمه اوبه اگر عجیب است.

۲۰. تکرار این کلمه ناشی از سهو کاتب است. ترجمه صحیح چنین است: حرب کنند با شما یا حرب کنند با

قوم خویش.

۲۱. افکنند.

۲۲. درافکنند.

<p>کردیم ما شما را بر ایشان حجت آشکارا ﴿۵۴﴾ و نه باشد هیچ گرویده‌ای آن [که] بکشد گرویده‌ای را مگر بخطا؛ و هر که بکشد گرویده‌ای را بخطا، آزاد کردنِ گردنِ گرویده و دیه سپرده بقوم او، مگر که صدقه کنند. اگر باشد</p>	<p>کردیم ما شما را بر ایشان حجت اسکارا ﴿۵۴﴾ و نه باشد هج کرونده ان بکشد کرونده را مگر خطا و هرک بکشد کرونده را خطا ازاد کردن کردن کرونده و دبه سبرده بقوم او مگر که صدقه کنند اگر باشد</p>	<p>جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿۵۴﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ</p>	<p>۵۴</p>
<p>از گروه دشمن شما را و او گرویده بود، آزاد کردنِ گردنِ گرویده؛ و اگر باشد از گروهی که میان شما و میان ایشان عهد بود، ودیتی سپرده بقوم او و آزاد کردنِ گردنی گرویده. آنکه نیابد، روزه داشتن [دو ماه]</p>	<p>از گروه دشمن شما را و او گرویده بود ازاد کردن کردن کرونده و اگر باشد از گروهی که میان شما و میان ایشان عهد بود و دیتی سبرده بقوم او و ازاد کردن کردنی کرونده انک نماند روزه داستن {...}</p>	<p>مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدْيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ</p>	<p>۵۵</p>
<p>پيوسته، توبه است از خدای؛ و هست خدای دانا حکیم ﴿۵۶﴾ و هر که بکشد گرویده‌ای را عمداً، ۲۳ پاداش او دوزخ است جاوید در آنجا، و خشم گرفت خدای برایشان و بنفرید او را و بساخت او را عذاب بزرگ ﴿۵۶﴾ ای</p>	<p>پيوسته توبه است از خدای و هست خدای دانا حکیم ﴿۵۶﴾ و هرک بکشد کرونده عمداً را ندادس او دوزخ است جاوید درانجا و خشم گرفت خدای بر ایشان و سبرید او را و بساخت او را عذاب بررک ﴿۵۶﴾ ای</p>	<p>مُتَّبِعِينَ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۵۶﴾ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَدًّا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۵۶﴾ يَا أَيُّهَا</p>	<p>۵۶</p>
<p>آنکسان که بگرویده‌اند! چون بروید در راه خدای، پیدا کنید و مه گوید آنرا که افکند بشما صلح را: نیستی تو گرویده. می جویی<sup>۲۴</sup> کالای این جهان؛ نزدیک خدای است غنیمت بسیار. همچنين بودید شما از پیش،</p>	<p>انکسان که مگرویده خون بروید در راه خدای بندا کبید و مه کوبند انرا که افکند بشما صلح را نیستی تو گرویده می جویی کالاء این جهان بررک خدایست عنمت بسیار همچنين بودند شما از نش</p>	<p>الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتَّغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ</p>	<p>۵۷</p>

۲۳. "را" دوم در نسخه اضافه است.

۲۴. ترجمه فعل جمع "تَبَتَّغُونَ" به صورت مفرد مخاطب «می جویی»، ناشی از سهو کاتب می تواند باشد.

<p>منت نهاد بر شما؛ پیدا کنید که خدای هست بدانچه می‌کنید دانا ﴿۵۸﴾ نیست یکسان آنکه نشستگان‌اند از گرویدگان مگر خداوند زیانها و جهاد کنندگان در راه خدای بخواستها [ی] ایشان و تنها [ی] ایشان. فضل نهاد خدای</p>	<p>منت نهاد خدای بر شما بدان کنید که خدای هست بدانچه می‌کنید دانا ﴿۵۸﴾ نیست یکسان آنکه نشستگان‌اند از گرویدگان مگر خداوند زیانها و جهاد کنندگان در راه خدای بخواستها ایشان و تنها ایشان فضل نهاد خدای</p>	<p>فَمَنْ اللَّهُ عَلَيكُمْ فَتَتَّبِعُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٥٨﴾ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ</p>	<p>۵۸</p>
<p>کوشندگان را بخواستها [ی] ایشان و تن ایشان بر نشستگان پایگاه‌ها، و همه را وعده کرد خدای نیکوی، و فضل نهاد خدای کوشندگان را بر نشستگان مزدی بزرگ ﴿۵۹﴾ پایگاه‌هایی از او و آمرزشی و رحمتی؛ و هست خدای</p>	<p>کوشندگان را بخواستها ایشان و تن ایشان بر نشستگان پایگاه‌ها و همه را وعده کرد خدای نیکوی و فضل نهاد خدای کوشندگان را بر نشستگان مزدی بزرگ ﴿۵۹﴾ پایگاه‌ها از او و آمرزشی و رحمتی و هست خدای</p>	<p>الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٥٩﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ</p>	<p>۵۹</p>
<p>آمرزنده مهربان ﴿۶۰﴾ که آنان که بمیراند ایشان را فریشتگان ستم کنندگان تن خویش را، گویند: در چه بودی؟ ۲۵۹ گویند: بودیم بیچارگان در زمین. گفتند: یا نبود زمین خدای فراخ که هجرت کردید در آنجا؟ ایشان‌اند</p>	<p>آمرزنده مهربان ﴿۶۰﴾ که آنان که بمیراند ایشان را فریشتگان ستم کنندگان تن خویش را گویند در چه بودی گویند بودیم بیچارگان در زمین گفتند یا نبود زمین خدای فراخ که هجرت کردید در آنجا ایشان‌اند</p>	<p>عَفْوًا رَّحِيمًا ﴿٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ</p>	<p>۶۰</p>
<p>که جای ایشان دوزخست و بدست جای ایشان ﴿۶۱﴾ مگر بیچارگان از مردان و زنان و کودکان که نتوانند چاره کردنی و راه نیابند براهی ﴿۶۱﴾ ایشان‌اند که مگر خدای عفو کند</p>	<p>کجای ایشان دوزخست و بدست جای ایشان ﴿۶۱﴾ مگر بیچارگان از مردان و زنان و کودکان که نتوانند چاره کردنی و راه نیابند براهی ﴿۶۱﴾ ایشان‌اند که مگر خدای عفو کند</p>	<p>مَا وَأَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٦١﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٦١﴾ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ</p>	<p>۶۱</p>

<p>از ایشان و هست خدای عفو کننده و آمرزنده ﴿۹۱﴾ و هرکه هجرت کند در راه خدای، یاود در زمین جایگاه‌های بسیار و فراخی؛ و هرکه بیرون شود از خانه خویش، هجرت کننده بسوی خدای و پیغامبر او، پس دریاود او را مرگ، بدرستی</p>	<p>از ایشان و هست خدای عفو کننده و امررنده ﴿۹۱﴾ و هرک هجرت کند در راه خدای ناوڈ بر زمین حایکاهه‌ا بسیار و فراخی و هرک بیرون شوڈ از خانه خویش هجرت کننده بسوی خدای و نعامبر او س در ناوڈ او را هرک بدرستی</p>	<p>عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا عَفْوًا ﴿٩١﴾ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ</p>	<p>۶۲</p>
<p>که افتد مزد او بر خدای، و هست خدای آمرزنده مهربان ﴿۹۲﴾ و چون برفتید در زمین، نیست بر شما تنگی اگر بکاهید از نماز، اگر ترسید که فتنه کند شما را آنان که کافر شدند؛ که کافران</p>	<p>کافتد مزد او بر خدای و هست خدای امررنده مهربان ﴿۹۲﴾ و چون برفتید بر زمین بسبت بر شما تنگی اگر بکاهید از نماز اگر ترسید که فتنه کند شما را آنان که کافر شدند که کافران</p>	<p>وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَفْوًا رَحِيمًا ﴿٩٢﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ</p>	<p>۶۳</p>
<p>هستند شما را دشمن آشکارا ﴿۹۳﴾ و چون باشی در میان ایشان، بیای داری ایشانرا نماز، برخیزندا گروهی از ایشان با تو و نگاه دارندا سلاحها[ی] ایشان. چون سجده کنند، باشند ایشان از پس پشت شما و بیابندا گروهی دیگر که نماز نکردند</p>	<p>هستند شما را دشمن اسکارا ﴿۹۳﴾ و حون ناشی در میان ایشان بسای داری ایشانرا نماز برحیزندا گروهی از ایشان با تو و نگاه دارندا سلاحها ایشان حون سجده کنند ناشند ایشان از بس نشب شما و بنابندا گروهی دیگر که نماز نکردند</p>	<p>كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿٩٣﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا</p>	<p>۶۴</p>
<p>نماز کنند با تو و فراگیرند حذر ایشان و سلاح‌های ایشان؛ و<sup>۲۶</sup> خواهد آنان که کافر شدند اگر غافل شوید از سلاح‌های شما و کالا‌های شما تا برگردند بر شما یک برگشتن؛ و نیست تنگی بر شما اگر باشد بشما رنجی از باران، یا باشید</p>	<p>نماز کنند با تو و فرا گیرند حذر ایشان و سلاحها ایشان و خواهد آنان که کافر شدند اگر غافل سوند از سلاحها شما و کالاها شما نا برکردند بر شما یک برگشتن و بسبت ننکی بر شما اگر باشد بشما رنجی از باران نا ناسیذ</p>	<p>فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ</p>	<p>۶۵</p>

<p>بیماران که بنهید سلاحهای شما. و گیرید حذر خویش که خدای ساخته است کافرانرا عذاب خوارکننده ﴿۱۱۵﴾ چون بگزارید نماز را، یاد کنید خدایرا ایستاده و نشسته و بر پهلوهای شما. چون آرام گرفتید و ایمن شدی، بیای داری ۲۷ نماز را؛</p>	<p>بماران که بنهید سلاحها و کیریز حذر خوش که خدای ساخته اسب کافرانرا عذاب خوار کننده ﴿۱۱۵﴾ چون بگزارید نماز را باز کنید خدایرا ایستاده و سسته و بر پهلوها شما جن ارام گرفتید و امن سذی بسای داری نماز را</p>	<p>مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۱۱۵﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ</p>	<p>۶۶</p>
<p>که نماز هست بر گرویدگان واجب پدید کرده معلوم ﴿۱۱۶﴾ و سست مشوید در جستن قوم اگر هستید که رنج می‌یابید، ایشان رنج می‌یابند، چنانچه شما رنج می‌یابید؛ و امید می‌دارید از خدای آنچه امید نمی‌دارند؛ و هست خدای دانا راستکار ﴿۱۱۶﴾</p>	<p>که نماز هست بر کرویذکان واجب بدد کرده معلوم و سست مشوید بر جستن قوم اگر هستند که رنج می‌یابند ایشان رنج می‌یابند و سست مشوید در جستن قوم اگر هستند که رنج می‌یابید، ایشان رنج می‌یابند، چنانچه شما رنج می‌یابید؛ و امید می‌دارید از خدای آنچه امید نمی‌دارند؛ و هست خدای دانا راست کار ﴿۱۱۶﴾</p>	<p>إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿۱۱۶﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۱۶﴾</p>	<p>۶۷</p>
<p>ما فرستادیم بتو قرآن برآستی تا حکم کنی میان مردمان بدانچه نمود ترا خدای و مه‌باش ۲۸ خیانت کنندگانرا خصم ﴿۱۱۷﴾ و آمرزش خواه از خدای که خدای هست آمرزنده بخشاینده ﴿۱۱۷﴾ و پیکار مکن از آن کسان که خیانت کنند با تنها [ی] خویش که خدای</p>	<p>ما فرستادم بتو قرآن برآستی تا حکم کنی میان مردمان بدانچه نمود ترا خدای و مه‌باش خیانت کنندگانرا خصم ﴿۱۱۷﴾ و آمرزش خواه از خدای که خدای هست امررنده بخشاینده ﴿۱۱۷﴾ و پیکار مکن از اسکسان که خیانت کنند با بسها خوش که خدای</p>	<p>إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِلْخَائِبِينَ خَصِيمًا ﴿۱۱۷﴾ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۱۷﴾ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَلُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ</p>	<p>۶۸</p>

۲۷. ترجمه افعال جمع "اطمانتم و اقیمو" به صورت مفرد مخاطب «ایمن شدی و بیای داری»، ناشی از سهو کاتب می‌تواند باشد.  
۲۸. مباش.



<p>دوست ندارد آنرا که هست          خیانت کننده بزه کار ﴿۱۶۹﴾          می‌پوشند از مردمان و          نه می‌پوشند از خدای، و او با          ایشانست چون می‌سگالیدند          آنچه نه می‌پسندند از گفتار؛ و          هست خدای بدانچه می‌کنند          دانا ﴿۱۷۰﴾ ای ۲۹ شما آنان که          خصومت کردید از ایشان در          زندگانی</p>	<p>دوست ندارد انرا که هست          خنانت کننده بزه کار ﴿۱۶۹﴾          می‌پوشند از مردمان و نه          می‌پوشند از از حذای و او          با ایشانست حون می‌سگالیدند          اصح نه می‌پسندد از گفتار و          هست حذای بذایح می‌کنند دانا          ﴿۱۷۰﴾ ای شما آنان کخصومت          کردید از اشان در زندگانی</p>	<p>لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَاتًا          أَثِيمًا ﴿١٦٩﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ          النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ          اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ          مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ          اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا          ﴿١٧٠﴾ هَأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ          عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ</p>	<p>۶۹</p>
<p>دنیا! هرکه خصومت کند          [خدایرا] ۲۰ از ایشان روز قیامت          یا کیست که باشد بر ایشان          وکیل؟ ﴿۱۷۱﴾ و هرکه کند بدی،          اگر ۳۱ ستم کند بر تن خویش،          پس آمرزش خواهد از خدای،          یاود خدایرا آمرزنده بخشاینده          و هرکه کند بزه‌ی، بدرستی          که</p>	<p>دنیا هر که خصومت کند از          انشان روز قنامت ناکیست          کناسد بر ایشان وکیل ﴿۱۷۱﴾ و          هرک کند بذی اکر ستم کند          بر تن خویش سس امرزش          خواهد از حذای ناوذ حذایرا          امررنده بخشاینده ﴿۱۷۲﴾ و          هرکه کند بزهء بدرستی که</p>	<p>الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ          عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ          يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾          وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ          نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ          اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٧٢﴾ وَمَنْ          يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا</p>	<p>۷۰</p>
<p>کند آن بزه بر تن خویش و هست          خدای دانا راستکار ﴿۱۷۳﴾ و هرکه          کند بدی، اگر ۳۲ بزه‌ی، پس          افکند آن گناه بوی گناهی، ۳۳          بدرستی که برداشت گناهی و          بزه‌ی هویدا ﴿۱۷۴﴾ و اگر نه فضل          خدای استی بر تو و رحمت او،          اندیشه کردند از ایشان</p>	<p>کند ان بزه بر تن خوش و          هست حذای دانا راسب کار          ﴿۱۷۳﴾ و هرک کند بذی اکر          بزهء سس افکند ان کناه بوی          کناهی بدرستی که برداست          کناهی و بزهء هویدا ﴿۱۷۴﴾ و          اکر نه فضل حذای استی          بر تو و رحمت او اندیشه          کردند کروهی از ایشان</p>	<p>يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ          اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧٣﴾ وَمَنْ          يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ          يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ          بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿١٧٤﴾ وَلَوْلَا          فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ          لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ</p>	<p>۷۱</p>

۲۹. ترجمه هَأَنْتُمْ به صورت منادا در این آیه نادرست می‌نماید، اما در ترجمه‌های کهن بی‌سابقه نیست.

۳۰. افتادگی الله در ترجمه به سبب سهو کاتب است.

۳۱. ترجمه او به اگر عجیب است.

۳۲. ترجمه او به اگر عجیب است.

۳۳. بیگناهی.

<p>که بیراه کنند ترا، و گم نمی‌کنند مگر تنها [خودش را و گزند نه می‌کنند ترا هیچ چیز؛ و فرستاد خدای بر تو قرآن و حکمت، و درآموخت ترا آنچه نبودى دانستی؛ و هست فضل خدای بر تو بزرگ ﴿۷۲﴾ نیست نیکی در بسیاری</p>	<p>که بی راه کنند ترا و کم می‌کنند مگر تنها خویش را و گزند نه می‌کنند ترا هیچیز و فرستاد خدای بر تو قرآن و حکمت و درآموخت ترا اح نبوذی دانستی و هست فضل خدای بر تو بزرگ ﴿۷۲﴾ بسست نکی در بسیاری</p>	<p>أَنْ يُضْلَوْكَ وَمَا يُضْلُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿۷۲﴾ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ</p>	<p>۷۲</p>
<p>از راز کردن ایشان مگر آنکه بفرماید بصدقه دادنی یا نیکویی یا صلاح آوردن میان مردمان؛ و هرکه کند آنرا جستن رضای خدای، زود بود که بدهیم او را مزدی بزرگ ﴿۷۳﴾ و هرکه خلاف کند پیغامبر را از پس آنکه پدید آمد</p>	<p>از راز کردن ایشان مگر انک بفرماید بصدقه داذنی یا نیکوء با صلاح آوردن میان مردمان و هر ک کند انرا حسن رضای خدای زود بود کدهیم او را مزدی برک ﴿۷۳﴾ و هرک خلاف کند بنعامبر را از پس انک بدد امد</p>	<p>مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۷۳﴾ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ</p>	<p>۷۳</p>
<p>او را راه راست، و پسروی کند نه راه گرویدگانرا، با وی گذاریم آنچه در پذیرفت و بسوزیم او را بدوزخ، و بد جایگاهی است ﴿۷۴﴾ که خدای نیامرزد آنرا که انباز گیرد بدو و بیامرزد آنچه فرود آنست آنرا که خواهد؛ و هرکه انباز گیرد بخدای، بدرستی که گم شد گمشدنی</p>	<p>او را راه راست و بس روی کند نه را کروبذکانرا با وی گذاریم اچ در بذرفت و بسوزم او را بدوزح و بذ حایگاهی است ﴿۷۴﴾ که خدای نیامرزد انرا که انناز کیرذ بدو و بیامرزد اچ هروز انست انرا که {خو} اهد و هرک انباز کیرذ بخدای بدرستی که کم شد کم شذنی</p>	<p>لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُضَلِّهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۷۴﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا</p>	<p>۷۴</p>
<p>دور ﴿۷۵﴾ نه می‌خوانند از فرود او مگر مادگانی و نه می‌خوانند مگر دیو گردنکش ﴿۷۵﴾ بنفرین کرد او را خدای، و گفت: فرا گیرم از بندگان تو بهره‌ای واجب کرد ﴿۷۵﴾ و گمراه کنم ایشانرا و آرزوها در پیش ایشان نهم و فرمایم ایشانرا تا بگردند</p>	<p>دور ﴿۷۵﴾ نه می‌خوانند از هروز او مکر مانکانی و نه می‌خوانند مکر دیو کردن کش ﴿۷۵﴾ بنفرین کرد او را خدای و کفت فرا کیرم از سدکان تو بهره و ااحب کرد ﴿۷۵﴾ و کم راه کنم ایشانرا و ارزوها در نش ایشان نهم و فرمایم ایشانرا تا بگردند</p>	<p>بَعِيدًا ﴿۷۵﴾ إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَّا نَاوِيحُ وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿۷۵﴾ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تُخَدِّذْ مِنْ عِبَادِكُمْ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿۷۵﴾ وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَيَّتَتْهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَبْتَئِكُنَّ</p>	<p>۷۵</p>

<p>گوشها[ی] چهارپایان و بفرمایم ایشانرا تا بگردانند آفرینش خدای و هرکه گیرد دیورا دوستی از فرود خدای، بدرستی که زیان کرد زیان کردنی آشکارا ﴿۱۱۶﴾ وعده دهد ایشانرا و پیوس ۳۴ دهد ایشانرا و نهدده وعده ایشانرا دیو، مگر فریفتن ﴿۱۱۷﴾</p>	<p>کوشها چهارپایان و بفرمایم ایشانرا تا بگردانند آفرینش خدای و هرک کیرذ دیو را دوستی از فرود خدای بدرستی که زیان کرد زیان کردنی اسکارا ﴿۱۱۶﴾ وعده دهد ایشانرا و ندس دهد ایشانرا و نه دهد وعده ایشانرا دیو مگر فریفتن ﴿۱۱۷﴾</p>	<p>۷۶</p> <p>آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿۱۱۶﴾ يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۱۱۷﴾</p>
<p>ایشاناند که جای ایشان دوزخست و نیاوند از آن بگشتن ﴿۱۱۸﴾ و آنان که بگرویدند و کردند نیکوها، درآریم ایشانرا در بهشتها که می رود از زیر آن جویها جاویدانان در آنجا همیشه. وعده خدای درست است و کیست راستگوی تر از خدای</p>	<p>ایشاناند کجای ایشان دوزخست و نیاوند از آن بگشتن ﴿۱۱۸﴾ و آنان که بگرویدند و کردند نیکوها درآریم ایشانرا در بهشتها کمی رود از زیر آن جویها جاویدانان در آنجا همیشه وعده خدای درستست و کیست راسب گویتر از خدای</p>	<p>۷۷</p> <p>أُولَئِكَ مَاوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿۱۱۸﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ</p>
<p>گفتار؟ ﴿۱۱۹﴾ نیست بارزوها[ی] شما و نه آرزوهای اهل کتاب. هرکه کند بدی، پاداش دهند بدان و نه ییادد او را از فرود خدای دوستی و نه یاری ﴿۱۲۰﴾ و هر که کند از نیکوها - از نر یا ماده - و او گرویده بود، ایشان</p>	<p>گفتار ﴿۱۱۹﴾ نیست بارزوها شما و نه ارزوهای اهل کتاب هرک کند بذی پاداش دهند بدان و نه ناوذ او را از فرود خدای دوستی و نه یاری ﴿۱۲۰﴾ و هرک کند از نیکوها از نر یا ماده و او گرویده بود ایشان</p>	<p>۷۸</p> <p>قِيلَ ﴿۱۱۹﴾ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۱۲۰﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ</p>

۳۴. نسخه در اینجا ناخوانا است. محتمل ترین واژه از حیث معنایی برای آن «پیوس دادن» می تواند باشد که در برخی برگردان های کهن فارسی نیز به کار رفته است (نک. فرهنگنامه قرآنی، ۱۸۹۹/۴).

<p>در شوند در بهشت و ستم نکنند بمقدار شکاف پشت حسنه خرمای و کیست نیکوتر بدین از آنکه گردن نهد و بسپارد روی خویش بخدای - و او نیکوکار - و پس روی کند دین ابراهیم را پاک؟ و گرفت خدای ابراهیم را دوست و خداپرست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هست</p>	<p>در سوید در بهشت و ستم نکنند بمقدار شکاف سب حسنه خرمای و کیست نیکوتر بدین از انک کردن نهد و بسپارد روی خویش بخدای و او نیکوکار و سس روی کند دین ابرهیم را ناک و کرفت خدای ابرهیم را دوست و خداپرست اح در اسمانهاست و اح در زمستت و هست</p>	<p>يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ</p>	<p>۷۹</p>
<p>خدای به همه چیز دانا و فتوی می پرسند ترا در زنان. بگوی: خدا فتیا دهد شما را در ایشان و آنچه می خوانند بر شما در کتاب، در یتیمان زنان، آنان که ندهید ایشانرا آنچه واجب کرده اند ایشانرا و رغبت نکنید<sup>۳۵</sup> که بزنی کنید ایشانرا و ضعیفان</p>	<p>خدای بهمه حبر دانا و فتوی می پرسند ترا در زبان نکوی خدای مسا دهد شما را در ایشان و اح مے خوانند بر شما در کتاب در یتیمان زبان آنان که کنه دهد ایشانرا اح و احب کرده اند ایشانرا و رغبت نکنید که بزنی کنید ایشانرا و ضعیفان</p>	<p>اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَظِيمًا ﴿١٢٦﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُثَلِّ عَلَيْكُمُ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ</p>	<p>۸۰</p>
<p>از کودکان، و بایستید یتیمانرا به داد؛ و هر چه کنید از نیکی، خدای هست بدان دانا و اگر زنی ترسد از شوهر خویش بدسازی یا برگشتنی، نیست تنگی بر ایشان که صلح کنند میان ایشان صلح کردن</p>	<p>از کودکان و بسددد بسمانرا بداد و هرح کنید از نیکی خدای هست بدان دانا و اگر زنی ترسد از شوهر خویش بدسازی نا برگشتنی نیست نسکی بر ایشان که صلح کنند میان ایشان صلح کردن</p>	<p>مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا</p>	<p>۸۱</p>

۳۵. برخی از دیگر مترجمان کهن نیز این فعل را به معنای منفی گرفته اند: یعنی آن را «[لا] ترغبون» خوانده اند (نک. فرهنگنامه قرآنی، ۴۵۱/۲).

<p>و صلح بهتر بود، و حاضر کرده‌اند تنها را بخیلی؛ و اگر نیکی کنید و پرهیزید، خدای هست بدانچه می‌کنید دانا ﴿۱۷۸﴾ و نه‌توانید که داد کنید میان زنان و اگرچه حرص نمایید. بمگردید همه میل کردنی تا بگذارید آن زنانرا</p>	<p>و صلح بهتر بود و حاضر کرده‌اند تنها را بخیلی و اگر نیکی کنید و سرهیزند خدای هست بذایح می‌کنید دانا ﴿۱۷۸﴾ و نه‌توانید که داد کنید میان زنان و اگرچه حرص نمایید بمرکزید همه مل کردنی تا بگذارند آن زنانرا</p>	<p>وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۷۸﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا</p>	<p>۸۲</p>
<p>چون آویخته‌ای. و اگر صلاح کنید و پرهیزید، بدرستی که خدای هست آمرزنده بخشاینده ﴿۱۷۹﴾ و اگر از هم جدا شوند، بی‌نیاز کند خدای همه را از فراخی و هست خدای فراخ‌کار دانا ﴿۱۸۰﴾ و خداپرست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بدرستی که</p>	<p>حن اوبخته‌ای و اگر صلاح کنید و سرهیزند بدرستی که خدای هست امرزنده بحساینده ﴿۱۷۹﴾ و اگر از هم جدا شوند بی‌نیاز کند خدای همه را از فراخی و هست خدای فراخ‌کار دانا ﴿۱۸۰﴾ و خداپرست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بدرستی که</p>	<p>كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۷۹﴾ وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كِلَا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿۱۸۰﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ</p>	<p>۸۳</p>
<p>وصیت کردیم آنانرا که دارند کتاب از بنش تو و شما را که بترسید از خدای اگر کافر شوید، خداپرست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست، و هست خدای توانگر و بی‌نیاز ستوده ﴿۱۸۱﴾ و خداپرست آنچه در</p>	<p>وصیت کردیم آنانرا که دارند کتاب از بنش تو و شما را که بترسید از خدای اگر کافر شوید خداپرست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و هست خدای توانگر و بی‌نیاز ستوده ﴿۱۸۱﴾ و خداپرست آنچه در</p>	<p>وَصَيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَن اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ﴿۱۸۱﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي</p>	<p>۸۴</p>

<p>آسمانها و آنچه در زمینست؛ و بسنده است بخدای کاردان  اگر خواهد، ببرد شما را ای مردمان! و آرد دیگرانرا؛ و هست خدای بر آن توانا  هرکه هست می خواهد پاداش این جهان،<sup>۳۷</sup> نزدیک خدای است پاداش این جهان و آن جهان؛</p>	<p>اسمانها و اح بر زمندست و بسنده است بخدای کاردان  اگر خواهد برز شما را ای مردمان و ارذ دیگرانرا و هست خدای بر آن توانا  هر که هست می خواهد پاداش این جهان نزدیک خدایست پاداش اس جهان و ان جهان</p>	<p>السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٣٢﴾ إِنَّ يَسَاءَ يَذْهَبِكُمْ أَتَيْهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿٣٣﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ</p>	<p>۸۵</p>
<p>و هست خدای شنوا و بینا  ای آنان که بگرویدند! باشید ایستندگان بداد، گواهان خدایرا، و اگر بر تنها [ای] شما باشد، اگر<sup>۳۸</sup> بر مادر و پدر شما یا بر خویشان؛ اگر باشند توانگر یا درویش، خدای اولی ترست بدایشان؛ بر پی هوا مروید</p>	<p>و هست خدای شنوا و بینا  ای آنان که بگرویدند باشید ایستندگان بداد گواهان خدایرا و اگر بر تنها شما باشد اگر بر مادر و پدر شما یا بر خویشان اگر ناسن توانگر یا درویش خدای اولی ترست بدایشان بر پی هوا مروید</p>	<p>وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا</p>	<p>۸۶</p>
<p>که داد کنید؛ و اگر برگردید یا روی گردانید، که خدای هست بدانچه می کنید بینا و آگاه  ای آنان که بگرویدند! بگروید بخدای و پیغامبر او، و بدان کتابی که فرستادند بر پیغامبر او، و بدان کتاب که فرستادند از پیش، و هرکه</p>	<p>که داد کنید و اگر برگردید یا روی گردانید که خدای هست بدانچه می کنید بینا و آگاه  ای آنان که بگرویدند بگروید بخدای و پیغامبر او و بدان کتابی که فرستادند بر پیغامبر او و بدان کتاب که فرستادند از پیش و هر که</p>	<p>الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِن تَلُوتُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَنْ</p>	<p>۸۷</p>

۳۷. جمله شرطیه به اشتباه ترجمه شده، یا از سوی کاتب نوشته شده است. صحیح این است: هر که می خواهد

پاداش این جهان.

۳۸. ترجمه او به اگر عجیب است؟؟

<p>کافر شود بخدای و فریشتگان او و نامه‌های او و پیغامبران او و روز واپسین؛ بدرستی که بیراه شد بیراه شدنی دور ﴿۱۳۶﴾ که آن کسان که بگرویدند، پس کافر شدند، پس بگرویدند، پس کافر شدند، پس بیفزودند کفر را، نیست خدای که بیمارزد ایشانرا و نه راه نمایدشان</p>	<p>کافر شود بخدای و فریشتگان او و نامه‌های او و پیغامبران او و روز واپسین بدرستی که بی راه سذبی راه شدنی دور ﴿۱۳۶﴾ که آن کسان که بگرویدند پس کافر سدد بس بگرویدند پس کافر سدد بس بگرویدند کفر را بست خدای کنامرزد ایشانرا و نه راه نمایدشان</p>	<p>يَكْفُرُ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٣٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمُ</p>	<p>۸۸</p>
<p>راهی ﴿۱۳۷﴾ مژده منافقانرا بدانکه ایشانراست عذاب دردناک ﴿۱۳۸﴾ آنانکه گیرند کافرانرا دوستان از فرود گرویدگان، آیا می‌جویند نزدیک ایشان عزیزی؟ بدرستی که عزة خدایراست همه ﴿۱۳۹﴾ و درستی که فرستادند<sup>۳۹</sup> بر شما آنچه<sup>۴۰</sup> در</p>	<p>راهی ﴿۱۳۷﴾ مژده منافقانرا بدانکه ایشانراست عذاب دردناک ﴿۱۳۸﴾ آنان که گیرند کافرانرا دوستان از فرود گرویدگان با معجونند نزدیک ایشان عزیزی بدرستی که عزة خدایراست همه ﴿۱۳۹﴾ و درستی که فرستادند بر شما آنچه در</p>	<p>سَبِيلًا ﴿١٣٧﴾ بَيِّنَ الْمُنَافِقِينَ بَانَ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣٨﴾ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٣٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي</p>	<p>۸۹</p>
<p>کتاب که چون بشنوید شما حجتها[ی] خدای کافر شوند بدان و افسوس کنند بدان، مه‌نشینید با ایشان تا در شوند در حدیثی جز<sup>۴۱</sup> آن؛ که شما آنگاه مانند ایشان باشید. که خدای جمع کننده منافقان و کافرانست در دوزخ</p>	<p>کتاب که چون بشنوید شما حجتها خدای کافر سوزد بدان و افسوس کنند بدان مه‌سببند با ایشان تا در سوزد در حدیثی جز ان ک شما انگاه مانند ایشان ناسد کخدای جمع کننده منافقان و کافرانست در دوزخ</p>	<p>الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَعَدَّوْا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْ حَيْثُ غَيْرِهِمْ إِيَّاكُمْ إِذَا مَثَلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ</p>	<p>۹۰</p>

۳۹. در متن قرآن در نسخه، نَزَّلَ (مطابق با قرائت نافع، ابن کثیر، ابوعمر و، ابن عامر، حمزه و کسائی) آمده است، و ترجمه فارسی هم مطابق با همین قرائت به صیغه مجهول انجام گرفته است. از میان قراء سبعة، تنها عاصم، آیه را نَزَّلَ به صیغه معلوم خوانده است.

۴۰. کلمه «آنچه» در ترجمه فارسی زائد است.

۴۱. در متن نسخه، کلمه جُز با املائی قدیم، جُذ نوشته شده است.

<p>همه ﴿۹۱﴾ آنان که بدی شما چشم می‌دارند بشما؛ اگر باشد شما را فتحی از خدای، گویند نه ما بودیم با شما؟ و اگر باشد کافرانرا بهره‌ای، گویند که نه غلبه کردیم بر شما و بازداشتیم‌تان از مومنان؟ خدای داوری کند</p>	<p>همه ﴿۹۱﴾ آنان که بدی شما چشم می‌دارد بشما اگر باشد شما را فتحی از خدای گویند نه ما بودیم با شما و اگر باشد کافرانرا بهره‌ای گویند که غلبه کردیم بر شما و بازداشتیم‌تان از مومنان خدای داوری کند</p>	<p>جَمِيعًا ﴿۹۱﴾ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِن كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ</p>	<p>۹۱</p>
<p>میان شما روز قیامت و نه کرد خدای کافرانرا بر گروندگان راهی ﴿۹۲﴾ که منافقان می‌خواهند که بفریبند خدایرا و او فریبنده ایشانست و چون برخیزند بسوی نماز، برخیزند کاهلان؛ می‌نمایند مردمانرا و نه</p>	<p>میان شما روز قیامت و نه کرد خدای کافرانرا بر گروندگان راهی ﴿۹۲﴾ که منافقان می‌خواهند که بفریبند خدایرا و او فریبنده ایشانست و چون برخیزند بسوی نماز برخیزند کاهلان؛ می‌نمایند مردمانرا و نه</p>	<p>بَيِّنْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَن يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿۹۲﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُونَ النَّاسَ وَلَا</p>	<p>۹۲</p>
<p>یاد کنند خدایرا مگر اندک ﴿۹۳﴾ اندر میان این و آن؛ نه با اینها و نه با آنها. و هر که بیراه کرد خدای، نهیابی او را راهی ﴿۹۳﴾ ای آنان که بگرویدند! مگیرید کافرانرا دوستان از فرود گرویدگان؛ آیا می‌خواهید</p>	<p>یاد کنند خدایرا مگر اندک ﴿۹۳﴾ اندر میان این و آن؛ نه با اینها و نه با آنها. و هر که بیراه کرد خدای، نهیابی او را راهی ﴿۹۳﴾ ای آنان که بگرویدند! مگیرید کافرانرا دوستان از فرود گرویدگان؛ آیا می‌خواهید</p>	<p>يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿۹۳﴾ مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿۹۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ</p>	<p>۹۳</p>



<p>که کنید خدایرا بر شما حاجتی آشکارا؟ ﴿۱۴۴﴾ که منافقان در درک فروتر از آتش اند و نه یابی ایشانرا یار ﴿۱۴۵﴾ مگر آنان که توبه کردند و بسامان شدند و چنگ در دین خدای زدند، و ویژه کردند دین خویش خدایرا. ایشان اند</p>	<p>که کنید خدایرا بر شما حاجتی اسکارا ﴿۱۴۴﴾ که منافقان در درک فروتر از آتش اند و نه بانی ایشانرا یار ﴿۱۴۵﴾ مگر آنان که توبه کردند و بسامان شدند و حک در دین خدای زدند و ویژه کردند دین خویش خدایرا ایشان اند</p>	<p>۹۴          أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ صَابِرِينَ ﴿١٤٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ</p>
<p>با گرویدگان و زود بود که بدهد خدای گرویدگانرا مزد بزرگ ﴿۱۴۶﴾ چه کند خدای بعداب شما اگر شکر کنید و بگروید؟ و هست خدای شاکر و دانا ﴿۱۴۷﴾</p>	<p>با گرویدگان و زود بود کبدهد خدای گرویدگانرا مزد بزرگ ﴿۱۴۶﴾ چه کند خدای بعداب شما اگر سکر کنید و بگروید و هست خدای شاکر و دانا ﴿۱۴۷﴾</p>	<p>۹۵          مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَدَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾</p>